

موسوم به «هویت» که طی آن قسمت‌هایی گزینشی از بازجویی‌های متهمین در زندان غیرقانونی سال ۱۳۶۹ به نمایش گزارده شد، من نامه‌ای به رئیس جمهوری وقت آقای هاشمی رفسنجانی نوشتم. در آن نامه توضیح دادم که «متأسفانه مطلبی که در زندان به کلی فراموش شده و به یک سو نهاده می‌شود، اصل براءت است. روحیه حاکم بر بازجویی‌ها این است که فرد دستگیر شده مسلماً گناهکار می‌باشد و در شرایط عادی راست نخواهد گفت، بلکه برای دستیابی به حقایق باید او را تحت فشارهای روحی، روانی و شکنجه و آزارهای جسمانی قرار داد تا باطن خود را بروز دهد. مشکل بزرگ این رویه این است که متهم بعد از مدتی طاقت خود را از دست داده و برای رهایی از فشارها دروغ می‌گوید و به غلط همه بدی‌ها را می‌پذیرد و هدف رسیدن به حقایق نه تنها تحقق نمی‌یابد، بلکه معکوس می‌گردد و جلوه‌ای از متهم به دست می‌آید که شخصیت حقیقی او نیست، منتها این جلوه چون مطابق مقصود بازجویان و اهداف از پیش تعیین شده آن‌ها می‌باشد، رسیدن به حقایق در آن میان فراموش شده و شخص را با کسب اقراریری مغلوط، ولی بر طبق دلخواه، رها می‌سازند».

همچنین در دی‌ماه گذشته در مصاحبه با هفته‌نامه آبان ۱۳۷۸/۱۰/۱۱ گفتم که ما «بر اثر فشارها اقرارهایی کردیم که صحت نداشت». این‌ها مطالبی نیست که از کسی پوشیده باشد، مع‌ذلک باز شریعتمداری در دادگاه همان مطالب کهنه و بی‌پایه را مطرح ساخته حیثیت اشخاص را با استفاده از سخنانی که کذبشان روشن است، لکه‌دار می‌سازد.

۴. دلخوشی ما اکنون نور امیدی است که نسیم تحول به دل‌ها آورده است. اینکه وزیر اطلاعات رسماً اعلام می‌دارد «مهمترین مسؤلیتی که

در مدیریت جدید احساس شده بازسازی و نوسازی وزارت اطلاعات و انطباق این تشکیلات عظیم با شرایط بوده است... مجموعه پرسنل وزارت اطلاعات هم مشتاق این تغییرات و اصلاحات است... بهترین روش اطلاع‌رسانی، محاکمه علنی متهمان است، نه پخش نوارهای مصاحبه. ما با پخش نوارهای مصاحبه مخالفیم زیرا نوعی افشاگری غیرمنطقی است که وزارت اطلاعات در گذشته از این نوع کارها داشته و ما این را منسوخ کرده‌ایم. ما افشاگری را قبول نداریم...<sup>۱</sup> بنابراین شریعتمداری سراغ منابعی رفته و به مآخذی جهت لکه‌دار ساختن حیثیت اشخاص استناد جسته است که خود وزیر اطلاعات آن‌ها را قبول ندارد و محکوم می‌شود! توصیه خیرخواهانه این است که نامبرده نیز از وزیر اطلاعات بیاموزد و به موج تحول و اصلاح در جامعه بپیوندد و خود و روزنامه‌ای را که تحت مدیریت دارد، از گرداب اشمئزاز عمومی و روگردانی مردم خارج ساخته به جایگاهی که درخور آن است بازگرداند.

فرهاد بهبهانی

### ما که دست بر نمی‌داریم<sup>۲</sup>

مدتی است که به بهانه تخطئه جریان وابسته به قتل‌های زنجیره‌ای (باند سعید امامی) و به منظور پنهان کردن سرنخ‌های اصلی این ماجرا، بدترین دشنام‌ها در روزنامه‌های محفلی نثار جمهوری اسلامی می‌شود اما جز معدود مواردی که وفاداران انقلاب، داوطلبانه و به دفاع از جمهوری

۱. انتخابه ۲۶ و ۲۸ دی ۱۳۷۸.

۲. کیهان، دوشنبه ۹ اسفند ۱۳۷۸.

اسلامی و امام در مقام پاسخگویی برآمده‌اند، هیچ واکنشی از سوی دستگاه‌های دولتی به ویژه وزارت اطلاعات در قبال آن‌ها مشاهده نمی‌شود. اگر نام وزارت اطلاعات برده می‌شود، از آن جهت موضوعیت دارد که عمده ناسزاگویی‌ها به بهانه نقد عملکرد این نهاد صورت می‌گیرد و الا از دید مهاجمان به حیثیت نظام، تمام آن‌هایی که در برپایی انقلاب و مدیریت دو دهه گذشته جمهوری اسلامی سهمی داشته‌اند، متهم هستند و در آرزوی برپایی دادگاه‌هایی برای محاکمه آنان، روزشماری می‌کنند!

چند روز پیش در یکی از روزنامه‌های زنجیره‌ای - که مشخصاً ارتباط تنگاتنگی با جریان سیاسی متمایل به آمریکا و ملی‌گرایان لیبرال دارد و مدیرمسئول کیهان در دادگاه رابطه عوامل وابسته به محافل بیگانه با این روزنامه را به طور مستند افشاء کرد - مقاله‌ای با عنوان «ماجرای من و حسین شریعتمداری» درج شد که نویسنده آن - فرهاد بهبهانی - کوشیده بود با اشاره به ماجرای دستگیری خود و گروهی از رفقاییش در تشکلی موسوم به «جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران» در سال ۱۳۶۹، چنین وانمود کند که مدیرمسئول کیهان در جریان جزئیات آن دستگیری و اعترافات نامبرده در آن ایام قرار داشته است!

صرف نظر از مسخره بودن ادعای اخیر وی که مبتنی بر واقعی جلوه دادن خیالبافی‌ها است، نکته مهمتر در این نوشتار توصیف برخوردهای خشونت‌آمیزی است که با وی در زندان صورت گرفته است و به گفته وی همان فشارها نهایتاً سبب اقرار اجباری وی به گناہانی شده که نامبرده در یک مصاحبه تلویزیونی عنوان کرده است. در واقع، او مدعی است، بی‌آنکه جرمی مرتکب شده باشد، دستگیر شده و در عین بی‌گناهی برای

اعتراف کردن به جرم، شکنجه‌اش کرده‌اند و بعد هم او را به انجام یک مصاحبه زورکی واداشته‌اند! تا آنجا که ماجرا به مدیرمسئول کیهان مربوط می‌شود، جای کمترین دغدغه‌ای نیست، چرا که حسین شریعتمداری بحث و گفتگو با رهبران گروه‌های ضد انقلاب و بسیاری از زندانیان دیگر را نه فقط نفی نمی‌کند، بلکه بارها به این اقدام خود افتخار نیز کرده است و از سوی دیگر ضمن آنکه هیچ‌گاه بازجو نبوده است ولی شغل بازجویی در نظام اسلامی را یک عبادت دانسته و تأکید کرده است که: «اگرچه بازجو نبوده‌ام، ولی تأسف می‌خورم که ثواب بازجویی در نظام جمهوری اسلامی ایران که نظام متعلق به امام زمان (عج) است در نامه اعمال ثبت نشده است». و این نکته نیز بدیهی است که جو سازی‌ها و دروغ‌پراکنی‌های مأموران تابلودار بیگانه که این روزها به عرصه برخی از مطبوعات راه یافته‌اند، نمی‌تواند کیهان را وادار به سکوت کند، و این روزنامه، گریبان عوامل اصلی «خط جدید نفاق» را رها نخواهد کرد و آنان را از هر نقطه و جایگاهی که پنهان شده باشند، بیرون کشیده و به مردم معرفی خواهد کرد.

اما سخن این است که وقتی، مردم، با این قبیل دروغ‌پراکنی‌ها علیه نظام روبرو می‌شوند آیا نباید به عواطف و اعتماد جریحه‌دار شده آن‌ها پاسخی گفته شود؟ اگر پاسخ مثبت است، این وظیفه چه کسانی است؟ آیا تنها وظیفه یک روزنامه‌نگار و یا مؤسسه مطبوعاتی که همچنان دل در گرو انقلاب دارد، اقتضاء می‌کند که در برابر هر هجومی از این دست، آستین بالا بزند و از مظلومیت انقلاب اسلامی، امام و این نظام غریب در دنیای کفرزده دفاع کند؟ پس سهم دستگاه‌های حکومتی چه می‌شود؟ دیگران چه مشکلی دارند و یا به کدام جریان بدهکارند که پاسخی به این

ادعاها نمی‌دهند. وفاداران انقلاب، البته اگر جواب می‌دهند از سر آن است که می‌دانند مدعیان امروز، همان دشمنان کینه‌توز دیروزند، همان مارهای افسرده‌ای که چون گرما به جانشان افتاده، به جنبش درآمده‌اند و زهر خود را به انقلاب و انقلابیون می‌ریزند. اما اگر از نگاه مسؤلان و نهادهای حکومتی داستان غیر از این است، پس آن‌را با این مردم پابره‌نه و پاک‌باخته هم در میان بگذارند، آقایان مدیران! باور کنید مردم کوچه و بازار که هنوز به انقلاب و نظام عشق می‌ورزند، مثل شما از قواعد بازی‌های سیاسی سر در نمی‌آوردند تا مدام، فحاشی و هتاک‌های اراذل و اوباش به مقدساتشان را بشنوند و بی‌خیال و صبور از آن بگذرند. مردمی که دفاع از میراث امام (ره) را یک تکلیف شرعی می‌دانند، مثل بعضی از شما این قدر سعه صدر! ندارند که دشنام‌گویی نسبت به نظام را در عین اعتقاد به حقانیت آن به آسانی تحمل کنند، مگر آنکه به آن‌ها «حب بی‌غیرتی» خورانده شود و شما می‌دانید که چنین نیست و... و اگر شما مسؤلان نظر دیگری دارید بفرمایید که نظرتان چیست؟

وقتی دستگاه‌های مخالف در قبال اتهاماتی که به نظام زده می‌شود، سکوت پیشه کرده‌اند و هیچ سخنی نه در تأیید و نه در رد ادعاها - بر زبان نمی‌رانند، از مردم و توده‌های وفادار به انقلاب انتظار دارید که ساکت بنشینند و با سکوت غیرقابل توجیه شما هم‌نوا شوند؟

دفاع مقدس مردم را به زیر سؤال می‌برند و ادامه جنگ با متجاوز را خیانت توصیف می‌کنند و در خیال خود آن‌ها را به محاکمه می‌کشند و برای گروهک‌های تروریست و قاتل مردم دلسوزی می‌کنند و زیر پای دشمنان خونی این ملت فرش قرمز پهن می‌کنند و اعتقادات دینی ایرانیان و استقلال ایران را به سخره می‌گیرند و... با این همه نه تنها کسی

کاری به کار آن‌ها ندارد، بلکه برعکس، اوضاع طوری شده که محکومان دیروز ملت، حالا در مقام قاضی بنشینند و برای انقلابیون خط و نشان بکشند که چرا و با چه حقی شما دیروز از انقلابتان دفاع کردید؟ چرا با تروریست‌ها از در جنگ درآمدید و خائنان را به زندان انداختید و...؟

آقایان مسؤولان! شما را به خدا اگر دلیلی برای دفاع از گذشته نورانی انقلاب در دست ندارید یا جریزه دفاع کردن از آن در شما نیست، جای خود را به کسانی بدهید که هنوز جای دوست و دشمن را از یکدیگر تشخیص می‌دهند و به اندازه شما اهل حساب و کتاب‌های این‌دنیایی نیستند و اعتقادشان به حقانیت این انقلاب و نظام مظلوم و رهبری مظلوم‌تر آن، دلیل کافی برای سر و جان باختن در راه حفظ میراث خمینی و شهیدان است. چه بسا، حل مشکلات روزمره مردم هم از این رهگذر، میسر شود.

## پیوست ۸

### مخالفت با شکنجه شکنجه گران

متهمان قتل‌های زنجیره‌ای که خود زمانی در رأس وزارت اطلاعات و از بانیان خشونت و شکنجه زندانیان بودند، به اسارت و بازداشت درآمده و بنا به اخبار جرایم، مورد آزارهای ناهنجار در زندان قرار گرفتند. اینجانب در این ارتباط مقاله‌ای به عصر آزادگان فرستادم که در شماره مورخ ۱۳۷۹/۱/۹ آن نشریه به چاپ رسید. متن مقاله را در زیر بخوانید.

در بسیج همگانی برای حذف خشونت، راضی به شکنجه شکنجه گران خود نیستیم<sup>۱</sup> در اخبار بود که تعدادی از اعضای خانواده‌های متهمان قتل‌های زنجیره‌ای، در ملاقات با برخی نمایندگان مجلس، نسبت به طولانی شدن زمان بازداشت این متهمان، عدم محاکمه علنی و امکان در اختیار گرفتن وکیل، نداشتن ملاقات با ایشان و بالاخره فشارهای روحی و جسمی وارده بر متهمان تا سر حد شکنجه‌های مهیب به طوری که کلیه‌های آنها از کار افتاده و محتاج دیالیز شده‌اند، اعتراض داشتند.<sup>۲</sup> شکنجه آن متهمان را یونسی وزیر اطلاعات نیز به نوعی تأیید کرد و

۱. عصر آزادگان، ۹ فروردین ۱۳۷۹.

۲. صبح امروز، ۱۳۷۸/۱۲/۱۷.

گفت: «ما نیز در این مورد شاکی هستیم و دستگاه قضایی باید در مورد شکنجه زندانیان برخورد کند».<sup>۱</sup>

در این ماجرا نکته‌ها و عبرت‌هایی است که حیف است بی‌توجه بگذرد:  
 ۱. در اوایل انقلاب، [...] چپ و راست حکم اعدام می‌داد و عده‌ای از جمله کیانوری و انصار او در حزب توده، همواره وی را می‌ستودند و به هر اعدامی آفرین می‌گفتند. در همان دوران من روزی طی سخنرانی در حزب ایران، خطاب به توده‌ای‌ها گفتم در کشتار دیگران پایکوبی نکنید که این موج به سراغ شما هم خواهد آمد و آن وقت خواهید دانست که چندان دلچسب نیست و فریاد و عدالت‌هایتان را مستمع نمی‌خواهد بود. از قضای روزگار چنین شد و کسانی که در اعدام دیگران هورا می‌کشیدند، خود یکی پس از دیگری به جوخه اعدام سپرده شدند یا [...] و آن زمان بود که به یاد حقوق بشر افتادند!

۲. چه بسا معترضان نسبت به بی‌قانونی و خشونت‌ها که در این ملک گرفتار شکنجه و زندان شدند و همین متهمان امروزی، سیاستگذاران و مجریان برنامه‌های سرکوب و شکنجه آن‌ها بودند که اکنون به نتایج اعمال خود گرفتار آمده‌اند. «فاعتبروا یا اولی الابصار» = پس ای صاحب بصیرت عبرت بگیرید».<sup>۲</sup>

از خانواده زندانیان آن روزگاران - همان زمان که متهمان زندانی امروز بر مسند قدرت و مقامات اطلاعاتی تکیه داشتند - پرسید کجا فریاد آن‌ها برای دقیقاً همان حقوقی که اکنون برای این متهمین مطرح می‌شود، گوش شنوا داشت؟ و مزه شکنجه‌هایی که همسر، پدر، برادر و یا خواهر آن‌ها در زندان‌ها چشیدند چگونه بود؟ سیاستگذاران شکنجه



در آن دوران توجه نداشتند که این امر فقط به حربه‌ای در دست ایشان برای مقابله با دیگران محدود نخواهد ماند، بلکه تبدیل به «رویه» می‌شود که نسبت به هر کس و حتی خود ایشان ممکن است در شرایطی جاری گردد. ۳. برخی می‌گویند اعمال شکنجه در شرایطی جایز است. مثلاً آن‌گاه

که متهمی به بمب‌گذاری اعتراف کرده اما محل دفن بمب را نمی‌گوید، باید او را شکنجه داد تا محل بمب را فاش سازد و نتیجتاً بتوان نسبت به خشی‌سازی بمب و پیشگیری از کشته شدن مردم بی‌گناه اقدام کرد. شبیه این مطلب را در مورد متهمان قتل‌های زنجیره‌ای نیز گفته‌اند که آن‌ها به اصل قتل‌ها اعتراف داشته و حال باید رابطین خود را معرفی کنند. چنان‌که یکی از نمایندگان مجلس به خانواده آن متهمان می‌گوید: «به هر حال باید مشخص شود که این متهمان از چه کسی دستور می‌گرفتند و رئیس آنان چه کسی بوده است».<sup>۱</sup>

به نظر نگارنده این استدلال در توجیه شکنجه صحیح نیست. زیرا: اولاً، باید دید که اعتراف به انجام قتل‌ها در چه شرایطی بوده و اگر تحت شکنجه صورت گرفته، ارزشی ندارد.

ثانیاً، چه بسا کلیدهای اصلی قتل‌ها را بتوان با قدری تدبیر مشخص نمود و آن متهمان فقط برای این شکنجه شده‌اند تا از زبان آن‌ها شنیده شود! همان‌گونه که اکبر گنجی چندی پیش ندا در داد که: «شاه‌کلید مشخص شده است، چرا او را نمی‌گیرید؟» از چه روی بازجویان اگر خود نمی‌دانند از اکبر گنجی سراغ «شاه‌کلید» را نمی‌گیرند و در عوض می‌خواهند از زبان متهمان بشنوند؟ یا همان‌گونه که مادر یکی از متهمان گفته است: «دری نجف‌آبادی، رئیس آن‌ها بوده و او باید پاسخ دهد».<sup>۲</sup>

۱. صبح امروز، ۱۳۷۸/۱۲/۱۷.

۲. صبح امروز، ۱۳۷۸/۱۲/۱۷.

۴. و بالاخره، همه کسانی که در راه آزادی و عدالت و اجرای قانون به سهم خود تلاش‌هایی کرده و گرفتار شکنجه و زندان شدند و حتی در این راه جان باختند، مسلماً تلاش‌هایشان برای این نبوده و در این امید و آرزو به سر نمی‌بردند که روزی در مقابل، شکنجه‌گرانِ آن‌ها شکنجه شوند!

این‌گونه برخوردها نه منصفانه، بلکه به قول معروف «غیظی و حرصی» است و همان است که وزیر اطلاعات درباره آن‌ها می‌گوید: «حرکت‌های طبیعی و قهرآمیز هر انقلابی که در غیر این انقلاب وجود ندارد»<sup>۱</sup>.

قطعاً روح فروهرها و همه کسانی که فجیعانه در آن قتل‌ها کشته شدند، راضی به شکنجه قاتلان خود نیست، محاکمه علنی و اجرای عدالت آری، ولی شکنجه و بی‌قانونی خیر! و مسلماً خانواده‌های همه زندانیان سیاسی که روزی خود سرگردان کنار دیوار اوین و اشک‌ریزان در پی کسب خبری از زندانی خود، آواره راهروهای دادستانی انقلاب بودند، امروز حال و روز خانواده آن متهمان را درک می‌کنند و به آنان حق می‌دهند که حقوق قانونی خود را مطالبه کنند، زیرا حتی مجرمین، حقوقی دارند و نمی‌توان برخلاف آن حقوق با آن‌ها رفتار کرد. حق است که خانواده آن متهمان به خوبی پذیرفته شوند و به درخواست‌های آن‌ها توجه گردد و به صرف آنکه کسانی‌شان آن جرائم را مرتکب شده و دست سوی پلیدی بردند، دچار مشکل نگردند.

## پیوست ۹

### اقدام نمایندگان مردم برای حذف شکنجه در زندان‌ها

از مشخصات بارز مجلس مردمی، وجدان بیدار و حساس نمایندگان است. پیشنهاد ۱۷۵ نماینده مجلس را برای تعیین مصادیق شکنجه، به نقل از روزنامه نوروز، ۱۳۸۵/۹/۸، در این پیوست بخوانید. هرچند سرانجام این پیشنهاد نامعلوم و مبهم مانده است.

### پیشنهاد ۱۷۵ نماینده مجلس برای تعیین مصادیق شکنجه

گروه سیاسی: ۱۷۵ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی در مورد ممنوعیت شکنجه را تقدیم مجلس می‌کنند. به گزارش خبرنگار پارلمانی نوروز در مقدمه این طرح دلیل ارائه آن عدم وجود قانون شفاف و مشخص عنوان شده که بعضاً باعث در هم ریختن مرزهای بین مجازات و شکنجه می‌شود. ضمن اینکه اگر تخلفی صورت گیرد، قانون نحوه برخورد با آن مشخص نیست. براساس ماده یک طرح موارد زیر از مصادیق شکنجه بوده و اعمال آن ممنوع است:

۱. هرگونه آزار و اذیت بدنی برای گرفتن اقرار یا غیر آن
۲. نگهداری زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر

در سلول انفرادی

۳. چشم‌بند زدن به زندانی
۴. بازجویی با چشم‌بند
۵. بازجویی در شب
۶. رو به دیوار قرار دادن زندانی در حین بازجویی
۷. بی‌خوابی دادن به زندانی
۸. اعمال فشار روانی به زندانی
۹. فحاشی، به کار بردن کلمات رکیک، توهین یا تحقیر زندانی در حین بازجویی و غیر آن
۱۰. استفاده از داروهای روان‌گردان و کم یا زیاد کردن داروهای زندانیان مریض
۱۱. دکتر عابدی. محروم کردن بیماران زندانی از دسترسی به خدمات درمانی مناسب
۱۲. استفاده از بلندگو، پخش نوارهایی که باعث فشار روانی بر زندانی می‌گردد
۱۳. نگهداری زندانی در محل‌هایی با سر و صدای آزاردهنده
۱۴. گرسنگی یا تشنگی دادن به زندانی
۱۵. عدم طبقه‌بندی زندانیان و نگهداری جوانان یا زندانیان عادی در کنار زندانیان خطرناک
۱۶. جلوگیری از هواخوری روزانه زندانی
۱۷. ممانعت از دسترسی به نشریات و کتب مجاز کشور
۱۸. ممانعت از ملاقات هفتگی یا تماس تلفنی زندانی با خانواده‌اش
۱۹. فشار روانی از طریق اعمال فشار به خانواده زندانی
۲۰. ممانعت از ارتباط یا ملاقات با وکیل خود

۲۱. ممانعت از انجام فرایض دینی

۲۲. بازجویی کردن در غیر از موارد تفهیم اتهام شده.

در این طرح منظور از زندانی کسانی هستند که با قرار بازداشت و یا پس از صدور حکم محکومیت در زندان به سر می‌برند. بر اساس تبصره دو ماده ۱ احکام شلاق که پس از محاکمه و صدور رأی دادگاه و قطعیت آن اجرا می‌شود شکنجه محسوب نمی‌شود. بر اساس ماده ۲ در موارد ضروری برای کشف فوری جرائمی نظیر قاچاق مواد مخدر، جاسوسی، سرقت مسلحانه و اقدام مسلحانه علیه نظام، بازجویی متهم در شب برای حداکثر یک هفته و نگهداری به صورت انفرادی برای مدت ۱۵ روز مستند به دلایل توجیهی مجاز است. در ماده ۳ پیش‌بینی شده که هر روز سلول انفرادی معادل ۱۰ روز زندان است. بر اساس ماده ۴ این طرح محل جلسه بازجویی، ساعت شروع و خاتمه آن، نام بازجویان و امضای بازجویی شده به طور کامل باید درج شود. در ماده ۵ کلیه اقرار و اطلاعاتی که مغایر این قانون گرفته شده باشند از درجه اعتبار ساقط هستند. بر اساس ماده ۶ محل بازداشتگاه زندانی باید مشخص باشد و بر اساس ماده ۷ ضبط جلسات بازجویی باید به اطلاع فرد مورد بازجویی برسد. در ماده ۸ در مورد متهمان قاضی پرونده و در مورد محکومان قاضی ناظر زندان مسؤول اجرای این قانون است. بر اساس ماده ۹ برای نظارت بر نحوه رفتار با افراد بازداشت شده و زندانیان و اطمینان از رعایت این قانون شورایی تحت عنوان «شورای نظارت بر نحوه رفتار با زندانیان» مرکب از سه نماینده مجلس، سه نفر از قوه قضائیه و سه نفر از قوه مجریه تشکیل می‌شود. افراد هیأت مجازند هر وقت لازم بدانند از زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها به صورت فردی و یا جمعی

دیدار کنند. بر اساس ماده ۱۰ اعضای شورا در رابطه با انجام وظایف تعریف شده قابل تعقیب و پیگیری قضایی نیستند. در ماده ۱۱ آمده است: تخلف از مواد این قانون اعم از امر و مأمور و مسؤولان مطلع از شکنجه و یا کسانی که با شورای نظارت همکاری نکنند در مرتبه اول به یک تا سه سال زندان و ۵ سال انفصال از خدمات دولتی و در مرتبه دوم به چهار تا ۶ سال زندان و انفصال دائم محکوم می شوند و این محکومیت غیر قابل عفو است. بر اساس ماده ۱۲ رسیدگی به جرائم موضوع این قانون خارج از نوبت و به صورت علنی انجام می شود. در ماده ۱۳ آمده است: اجرای این قانون بلافاصله پس از تصویب لازم الاجرا است.

## پیوست ۱۰

### موارد الزام به شکنجه

چه بسا افراد، شکنجه متهمان سرقت و جنایت را بلاشکال دانسته و معتقدند این‌گونه افراد را باید تحت فشار قرار داد تا کیفیت کار و همکاران خود را بروز دهند. اینجانب در مقاله‌ای به این موضوع پرداخته‌ام که متأسفانه در هیچ نشریه‌ای امکان چاپ نیافت. متن آن را در زیر بخوانید.

### موضوع شکنجه

در بحث راجع به شکنجه دو مقوله اساسی مطرح می‌باشد:

(۱) در ارتباط با متهمان سیاسی، اجتماعی و حقوقی، همچون متهمان شهرداری که پیش از محاکمه آقای کرباسچی دستگیر و ظاهراً اقراریری از آن‌ها تحت شرایط شکنجه گرفته شد، چنانکه آقای کرباسچی در دفاعیه خود در دادگاه به این موضوع اشاره داشته و گفت: «مدیران شکنجه‌دیده شهرداری، پس از آزادی اعلام داشته‌اند که در برخی موارد، سرتیم بازجویی حضور داشته و در اعمال فشار و حتی تهدیدهای روانی علیه متهمین شرکت مستقیم داشته است. نمونه‌ای از عمل خلاف سرتیم بازجویان، دستخطی است که وی به یکی از افراد دستگیر شده

داده که آلا و لالا باید مطالب حاوی در آن دستخط را در مصاحبه‌اش مطرح کند... در طول مدت بازجویی و تحقیقات، متهمان با چشمانی بسته و روحی متلاشی و روانی خراب محکوم به تحمل مصیبت‌ها بودند و تحت فشار سخت‌ترین حملات و ضربات بازجویان قرار داشتند... و البته افرادی با کابل و شلاق همچون ستمگران به تهدید و ارعاب کمر به شکست متهم بسته بودند...<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد که انگیزه اصلی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تهیه و تصویب طرح ممنوعیت شکنجه، بیشتر مقابله با این‌گونه شکنجه‌ها - که متأسفانه در جمهوری اسلامی ما سابقه داشته - بوده است. نمایندگان، در پیگیری وظایف نمایندگی و پیشبرد فرآیند اصلاحات، در صدد برآمده‌اند تا چنین انحرافات را از دامن نظام بزدایند و راه و روش‌ها را در رفتار با زندانیان، با قانون اساسی که اعمال هرگونه شکنجه را برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع از متهمان ممنوع ساخته است (اصل ۳۸) منطبق سازند. تصور نمی‌شود که اعضای شورای نگهبان نیز با این هدف مخالفتی داشته باشند و فقط ظاهراً در شرایط حکم قاضی، آن‌را مجاز می‌شمرند! و البته چه بسا که این‌گونه اقدامات نیز همواره با موافقت و مجوز قاضی صورت می‌گرفته است. بنابراین شاید بتوان اقدام شورای نگهبان را در مخالفت با طرح ممنوعیت شکنجه، نوعی تلاش برای حفظ سنت‌ها تلقی کرد.

(۲) در مورد کسانی که به اتهام سرقت و جنایت و امثال آن دستگیر می‌شوند، باور بسیاری این است که در این شرایط چاره‌ای جز شکنجه نیست و این‌گونه افراد را باید در هم کوبید تا کم و کیف کارشان روشن



شده و همکاران و «باند» خود را بروز دهند. چنانکه این سؤال برای آقای مشکینی در جریان تصویب قانون اساسی در مجلس خبرگان مطرح بوده و به رسم تأیید می‌پرسد که «فرض کنیم» چند نفر از شخصیت‌های برجسته را ربوده‌اند و دوسه نفر هستند که می‌دانیم این‌ها از ربایندگان اطلاع دارند و اگر چند سیلی به آن‌ها بزنند ممکن است کشف شود، آیا در چنین مواردی شکنجه ممنوع است؟<sup>۱</sup> البته آقایان منتظری و دکتر بهشتی پاسخ آقای مشکینی را می‌دهند که «به محض این‌که راه باز شد و خواستند کسی را که متهم به بزرگترین جرم‌ها باشد یک سیلی به او بزنند، مطمئن باشید که به داغ کردن همه افراد متهمی می‌شود... و اگر این راه باز نشود جامعه سالم‌تر است».<sup>۲</sup> اما موضوع مهمی که باید در این مورد در نظر داشت این است که سوای ما، ممالک دیگر هم که خود را ملزم به رعایت قوانین و حقوق انسانی در هر شرایطی می‌دانند، این مشکل را داشته‌اند و با وجود آنکه سراغ شکنجه نرفته‌اند، موفقیتشان در دستگیری و مجازات جانیان اگر بیش از ما نبوده مسلماً کمتر نبوده است. مشکل ما این است که در هر موردی می‌خواهیم زود به نتیجه برسیم و در راه رسیدن به نتیجه مطلوبی که آنرا حق می‌دانیم، حاضریم که هر حق دیگر نیز پایمال شود! مقابله با انسان‌های نادرست، در عین رعایت حقوق انسان، هنر است و تلاش و تدبیر و صبر و حوصله می‌خواهد و الا با لگد و شلاق و از سقف آویزان کردن به‌گناه کار متهمان رسیدن (به فرض که اعتراف دروغ هم از فرط استیصال متهم در آن شرایط، تحویل نگیرند) از هر کتک‌زنی ساخته است و بازجوی دوره‌دیده نمی‌طلبد! درست است که می‌توان با شکنجه فلان دزد یا آدم‌ربا، شماری از سرقت‌ها و شبکه‌ای

از آدم‌ربایی‌ها را در مدتی کوتاه کشف کرد ولی در این جریان حرمت قانون و ارزش والاتر حقوق انسان فدا می‌شود و بنابراین برای آنکه هم این جوانب را حفظ کرده و هم دزدها و جانی‌ها و آدم‌رباها را به جای خود بنشانیم، حق این است که از روش‌هایی چون همان «بلوف» زدن (که بر قاضی روا نیست ولی بر بازجویان روا) و سایر تدابیر و سیاست‌های بازجویی که متهم را در برابر حقایق غیرقابل انکار قرار می‌دهد، استفاده کنیم و این روش البته پرزحمت، فکربر و وقت‌گیر است، ولی مهارتی است که بازجویان برای آن تربیت می‌شوند - یا باید بشوند - و بهایی است که جامعه مدنی برای حفظ «مدنیّت» خود می‌پردازد و آن ارزش والا، مسلم این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها و بردباری‌ها را نیز می‌طلبد.

فرهاد بهبهانی

## پیوست ۱۱

و بالاخره لحاظ سخنی با وزیر اطلاعات که در شماره مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۷ عصر آزادگان به چاپ رسید، در این مجموعه، بی‌مناسبت نیست.

### مشفقانه با یونسی

در سال‌های بعد از رهایی از زندان نشست‌هایی با مأموران اطلاعات داشتم. در آن نشست‌ها، مستقیم و غیرمستقیم، به ایشان می‌گفتم که محدودسازی وظایف وزارت اطلاعات به اینکده نغمات مخالف را هر کجا هست بیابد و در نطفه خفه کند، جفا به این سازمان است. به عبارت دیگر، وجود و حضور وزارت اطلاعات در جامعه‌ای که هیچ‌کس نتواند آزادانه سخن گفته و بی‌دغدغه به فعالیت‌های اعتقادی-سیاسی-اجتماعی پردازد، هنر نیست. بلکه هنر اطلاعاتی و امنیتی، در کشف و کنترل و خنثی‌سازی توطئه‌ها در شرایط آزادی و با تحمل قیود قانونی می‌باشد. متأسفانه عمری در وزارت اطلاعات با پیگیری روش اول گذشت، هر نوع ابراز مخالفت به شدت سرکوب می‌شد، بسیاری از خیرخواهان گرفتار شکنجه و زندان شدند و عده‌ای نیز در سلسله قتل‌های گوناگون به طرز فجیعی جان باختند که شرح آن در خاطرها هست و زهی تأسف که کم و کیف آن قضایا هنوز برای ملت روشن نشده و مسبب آن

جنایات به کیفر اعمال خود نرسیده‌اند و هر دم زوایای جدیدی از قتل‌های زنجیره‌ای با گزارش برخی مکالمات گشوده می‌گردد که مثلاً نیازی به حسن آقا خمینی گفته است: «پدر شما یعنی مرحوم حاج احمد خمینی به وسیلهٔ محفل اطلاعاتی به قتل رسیده است»<sup>۱</sup>.

اما مواضع وزیر اطلاعات در این شرایط و سخنانی که از نامبرده شنیده می‌شود مایهٔ امیدواری است و حتماً باید گفت که به نظر می‌رسد آقای یونسی انتظارات تحول اساسی و اصلاح‌طلبی را از جامعهٔ بعد از «دوم خرداد» درک کرده و برخلاف ناطق نوری که حرکت عظیم انتخاباتی مردم را به «کودتای فرهنگی دشمن» تعبیر می‌کند و با انتساب آراء مردم به اسرائیل و آمریکا بزرگترین توهین‌ها را - در مقام ریاست مجلس - نثار ۲۸ میلیون رأی‌دهندهٔ ایرانی کرده است.<sup>۲</sup> وزیر اطلاعات از عاملیت رأی مردم از دیدگاه اسلام سخن می‌گوید که «(حتی) به فعلیت درآمدن مشروعیت الهی حاکم یا ولی فقیه، منوط به انتخاب مردم است که این را در صدر اسلام هم داشتیم و حضرت علی (ع) علی‌رغم اینکه حاکمیتشان مشروعیت داشت، ولی چون مردم نبودند، مشروعیت آن به فعلیت نرسید».<sup>۳</sup> یا «من با شعار تغییرات اساسی و بنیادین وارد وزارت اطلاعات شدم... روش اعتدالی، امروز در وزارت اطلاعات به عنوان یک شعار اصلی و اساسی مورد پیگیری است... هیچ‌یک از اعضای وزارت اطلاعات نباید عضو هیچ گروه و دسته‌ای باشند... مدیریت جدید وزارت اطلاعات، رعایت کامل بی‌طرفی در مسائل جناحی و سیاسی است... من شدیداً با انجام کار اقتصادی توسط وزارت

۱. فتح، ۱۳۷۸/۱۲/۷. ۲. عصر آزادگان، ۱۳۷۸/۱۲/۸.

۳. انتخاب، ۱۳۷۸/۱۰/۳۰.

اطلاعات مخالف هستیم.<sup>۱</sup> و بالاخره سخنان اخیر نامبرده در همایش مدیران حراست دانشگاه‌ها که «اشکالات خود را به گردن دیگران نیندازیم و فکر نکنیم همیشه اتفاقاتی که می‌افتد در اثر توطئه‌های دیگران است... حرکت‌های اصلاح‌طلبانه، تحرکاتی طبیعی هستند که جزو حیات یک ملت است و اگر ملتی آن را نداشته باشد مرده است».<sup>۲</sup> با این روحیه و طرز فکر باید به آقای یونسی گفت که: «جانا سخن از زبان ما می‌گویی» و ما نیز به عنوان اصلاح‌طلبان این ملک، همواره همین آرمان‌ها را داشته و همین خواسته‌ها را دنبال کرده‌ایم. ولی آیا آقای یونسی گزارش صبح امروز (۱۳۷۸/۱۲/۸) را از توصیه‌های نظریه‌پردازان خشونت، در پی پیروزی مردم در انتخابات خوانده‌اند؟ بنا به گزارش این نشریه دو تن از فعالان خشونت، در میزگردی در نشریه جبهه به توضیح دیدگاه‌ها و برنامه‌های خود پرداخته و برنامه وسیع اعمال خشونت و ایجاد رعب و وحشت و یأس را در جامعه بعد از انتخابات اخیر تدارک دیده‌اند و ضمناً می‌گویند که شاخص آن‌ها مقام معظم رهبری است! آیا مأموران وزارت اطلاعات در آن جلسه بوده‌اند؟ گزارش آن جلسه باید پیش از صبح امروز به وزارت اطلاعات می‌رسید و در این صورت برای خنثی‌سازی توطئه‌های احتمالی و کوتاه ساختن دست عاملان خشونت و بی‌قانونی از تمسک به مقام رهبری، چه برنامه‌هایی را تدارک دیده‌اند؟ اکنون حضور کامل مأموران وزارت اطلاعات در بین عناصر مزبور و زیر نظر داشتن کلیه حرکات و سکنات آن‌ها امری ضروری و از نظر حفظ امنیت و قانون در جامعه لازم شمرده می‌شود و میدان فعالیت اطلاعاتی اکنون نه من و امثال من و روزنامه‌ای چون عصر آزادگان، بلکه دهنمکی‌ها

۱. انتخاب ۱۳۷۸/۱۰/۲۶.

۲. عصر آزادگان، ۱۳۷۸/۱۲/۸.

و نشریه جبهه باید تلقی گردد. باید دستگاه اطلاعات و امنیت کشور را به زیر نظرگیری این گروه خطرناک، در حراست از حقوق مردم در دوران بعد از انتخابات، هشدار داد. تجارب تاریخی و بخصوص انتخابات اخیر، نشان می‌دهد که ملت ایران اهل خشونت نیست و مردم این سرزمین حتی در ابراز مخالفت، متین و آرام حرکت می‌کنند. خشونت‌های هموطنان ما غالباً زاییده تحریکاتی است که توسط عده‌ای با اغراض خاص و با انگشت‌گذاری بر حساسیت‌های اعتقادی و روحی اشخاص صورت می‌گیرد. بنابراین یورش بر اجتماعات و زدن و کشتن افراد، روحیه و هندسه طبیعی مردم این سرزمین نیست، باید دید از کجا و توسط چه عواملی و با چه اهدافی تحریک می‌شوند و این امر امروز از عمده وظایف وزارت اطلاعات است که توجه وزیر محترم و خوش فکر، نسبت به آن جلب می‌شود.

فرهاد بهبهانی

## نمایه

آ	
اصفهان ۲۸	آبان (هفته‌نامه) ۲۵۹
اطلاعات (روزنامه) ۵۲	آذربایجان ۲۰۲
امام حسین (ع) ۲۴۲	آفتاب امروز (روزنامه) ۳۵۰
امام خمینی ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳	آلمان ۷۲، ۱۱۱، ۱۹۷، ۲۹۸
۲۳۸، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۶۴	آمریکا، ایالات متحده، بیشتر صفحات
امامی (اسلامی)، سعید ۳۶۰	آیت‌الله زنجانی ۱۹۱، ۱۹۲
امامی‌راد، علی ۳۵۲، ۳۵۳	آیت‌الله شریعتمداری ۱۹۱
امیرابراهیمی، امیرتوکل ۳۲۳، ۳۵۱	آیت‌الله شیرازی ۱۹۱
امیرانتظام، عباس ۶۱	آیت‌الله گلیایگانی ۱۹۱
امینی، نصرت‌الله ۱۸۳، ۲۵۸	آیت‌الله محلاتی ۱۹۱
انتخاب (روزنامه) ۳۰۵، ۳۶۰، ۳۷۸، ۳۷۹	
انجمن اسلامی مهندسين ۹۹	
انگلستان ۱۸۳، ۲۹۳، ۳۲۷	
انوری، محمدتقی ۱۳۰، ۳۲۳، ۳۴۸	
اوهن (زندانب)، بیشتر صفحات	
ایران، بیشتر صفحات	
ایران (روزنامه) ۳۵۳	
ایران فردا (مجله) ۳۲۹، ۳۳۰	
	ا
	ایران (روزنامه) ۳۲۶
	ابراهیمی، سیدمحمد ۳۲۶، ۳۲۸
	اردلان، علی ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۶۰، ۱۳۶، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۶، ۳۲۳، ۳۵۱، ۳۵۶
	ارویا ۹، ۱۶۱، ۲۲۳، ۲۸۸
	ارویای شرقی ۳۲۰
	اسرائیل ۱۲۸، ۲۵۶، ۲۷۳، ۲۸۱، ۳۵۵
	۳۷۸، ۳۵۸، ۳۵۶
	اسکندری، پروانه ۳۰۲، ۳۴۸
	اسلام ۶۲، ۱۰۸، ۱۳۰، ۱۵۹، ۱۹۱، ۲۶۵، ۲۶۷، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۹، ۳۷۸
ب	
بازرگان، عبدالعلی، بیشتر صفحات	
بازرگان، مهدی ۵۸، ۳۲۴، ۳۴۸، ۳۵۳	
بحارالاتوار ۱۲۸	
برقی، حسین ۹۱، ۱۵۶	
برقی، فضل‌الله ۱۰۲، ۱۰۳، ۳۳۵	

- بقایی، مظفر ۱۶۱، ۱۶۲  
 بنی‌اسدی، محمدحسین، بیشتر صفحات  
 بهبهانی، فرهاد، بیشتر صفحات  
 بهرامیان، بهرام ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۳، ۲۱۳،  
 ۲۳۱  
 بی‌بی‌سی ۱۵۱، ۱۸۳، ۲۲۷
- پ**  
 پاریس ۱۸، ۲۴، ۲۷، ۳۲
- ت**  
 تابنده، نورعلی ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۱۱۹، ۱۲۹،  
 ۱۸۱، ۲۰۰، ۲۰۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۷۴،  
 ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۶،  
 ۳۲۴  
 ترکیه ۱۲۹، ۱۴۵، ۱۴۷، ۳۴۳، ۳۵۷  
 توسلی حجتی، محمد، بیشتر صفحات  
 تهاجم فرهنگی ۳۲۹، ۳۳۰  
 تهران ۴۸، ۸۰، ۱۹۳، ۲۷۳، ۲۷۹، ۲۸۹،  
 ۲۹۳، ۳۰۴، ۳۳۴، ۳۴۲، ۳۴۴
- ج**  
 جامعه مدنی ۳۵۴  
 جبهه ملی ۳۱، ۶۹، ۱۶۸  
 جبهه (نشریه) ۳۷۹، ۳۸۰  
 جلالی، علی ۱۸۲  
 جلالی‌پور، حمیدرضا ۳۵۵، ۳۵۶  
 جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت  
 ایران، بیشتر صفحات  
 جمهوری اسلامی (روزنامه) ۵۲  
 جنگ جهانی دوم ۲۳
- چ**  
 چائوشسکو، نیکلای ۲۱۰، ۲۲۴
- ح**  
 حاج‌سیدجوادی، احمد صدر ۳۱، ۳۲۴  
 حجت‌الاسلام یونسی ۳۰۵، ۳۶۵، ۳۷۷،  
 ۳۷۸، ۳۷۹  
 حزب آزادیخواه ۲۱۰  
 حزب‌الله ۱۰۹  
 حزب ایران ۳۱، ۳۶۶  
 حسینی طباطبایی، مصطفی ۸۰، ۹۹، ۱۵۶،  
 ۲۳۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۷۱  
 حضرت علی (ع) ۳۷۸  
 حقیقت، کاظم ۷۸
- خ**  
 خاطرات سیاسی آقای ری‌شهری ۱۰۱  
 خمینی، سیداحمد ۳۷۸  
 خمینی، سیدحسن ۳۷۸
- د**  
 دادگاه ویژه روحانیت ۱۶۷  
 دانشگاه برکلی ۱۶  
 داوران، حبیب، بیشتر صفحات  
 دنیا (مجله) ۱۹۱  
 دولتداد، علی ۷۸  
 دیده‌ور، مسعود ۱۴۶، ۱۴۷
- ر**  
 رازی، علی ۱۶۶  
 روسیه ۳۴۳  
 روشن‌اردلان، یدالله، بیشتر صفحات
- ز**  
 زرینه‌باف، علی، بیشتر صفحات  
 زنجانی، حاج‌سیدابوالفضل موسوی ۳۲۳،  
 ۳۴۸، ۳۵۳



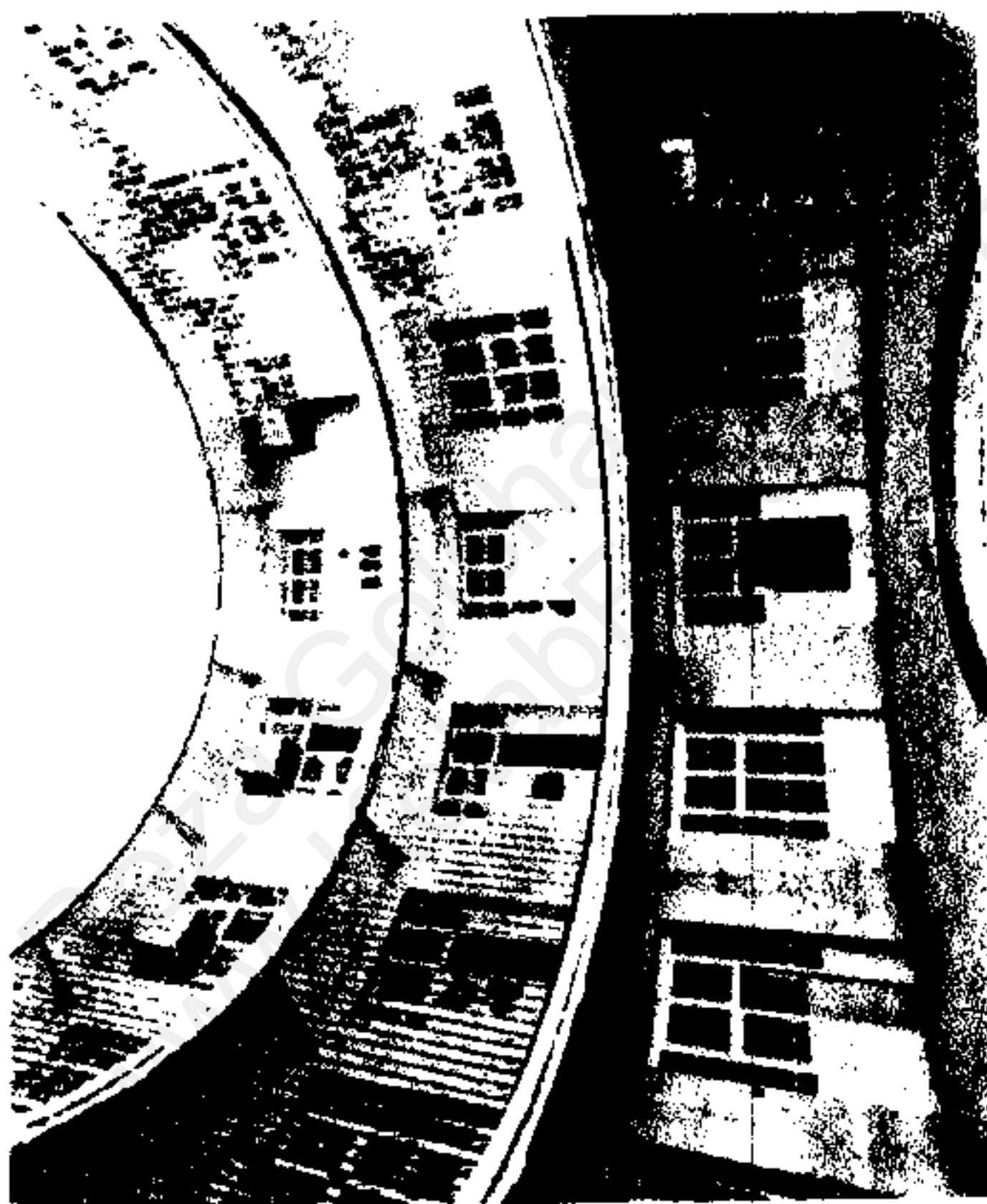
<b>ع</b>	<b>ژ</b>
عابدی، رحیم، بیشتر صفحات	زاین ۲۳
عصر آزادگان (روزنامه) ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۵۵	
۳۵۶، ۳۶۵، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹	
عینکچی، ابراهیم ۳۲۴، ۳۵۱	<b>س</b>
<b>غ</b>	سازمان سیا ۷۴، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۴۰، ۲۴۱
غروی، اصغر، بیشتر صفحات	۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۸
غنی‌زاده، جلال ۳۲۴، ۳۴۸	سازمان ملل متحد ۴۴، ۹۷، ۲۷۳، ۲۷۴
<b>ف</b>	۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱
فانیسم ۳۲۰	ساواک ۳۱، ۱۵۹، ۱۶۰
فتح (روزنامه) ۳۴۷، ۳۷۸	سعایی، عزت‌الله، بیشتر صفحات
فرانسه ۱۵، ۱۶، ۳۳	سلام (روزنامه) ۳۲۹
فرانکفورت ۱۴۶	سوئیس ۳۲
فرعون ۲۶	<b>ش</b>
فروهر، داریوش ۳۰۴، ۳۲۶	شاه‌حسینی، حسین، بیشتر صفحات
فروهرها، داریوش ۳۶۸	شرکت ملی نفت ایران ۸۰
فیلیپین ۲۳	شریعتمداری، حسین، بیشتر صفحات
<b>ق</b>	شریف، مجید ۳۰۴
قانون اساسی، بیشتر صفحات	شهشانی، ابوالفضل میرشمس، بیشتر
قتل‌های زنجیره‌ای ۳۰۴، ۳۶۰، ۳۶۵، ۳۶۷	صفحات
۳۷۸	شیراز ۲۷۰، ۳۰۰
<b>ک</b>	<b>ص</b>
کارتر، جیمی ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۷	صالحیان (فرونودی)، نهضت ۷۸
۳۲، ۳۳، ۱۵۶	صباغیان، هاشم، بیشتر صفحات
کثرت‌گرایی ۳۲۰	صبح امروز (روزنامه) ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸
کرج ۱۹۳، ۲۸۸	۳۷۹
کمونیسم ۳۲۰	صدر، رضا، بیشتر صفحات
کوهدشت ۳۵۲	<b>ض</b>
کوه‌های هیمالایا ۳۲۰	ضحاک ماردوش ۱۱۵
کویت ۱۹۹، ۲۴۷	<b>ط</b>
	طبری، احسان ۲۶۶

- کیانوری، نورالدین ۴۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۹۱، ۳۶۶  
 کسپهان (روزنامه) ۵۲، ۵۴، ۱۴۳، ۳۲۶، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲
- گ**  
 گالین دوپیل، ارنستو ۴۴، ۶۱، ۹۷، ۲۷۳، ۲۷۷، ۲۷۴  
 گورباچف، میخائیل سرگیوویچ ۳۴۳
- ل**  
 لوموند (روزنامه) ۳۵۰  
 لیبرالیسم ۱۹۱
- م**  
 مانیان، محمود ۳۲۴، ۳۴۸  
 مبتری، اسدالله ۲۶۲، ۲۸۶، ۳۲۴، ۳۴۸  
 محمدرضا شاه ۲۴۶  
 مصر ۹۱، ۳۴۳  
 مطهری، مرتضی ۲۶۲  
 مفاتیح الجنان ۲۶۱  
 مقدم مراغه‌ای، رحمت‌الله ۷۴، ۲۰۴  
 ممیزی، هرمز، بیشتر صفحات  
 مناققین ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۵۱، ۱۶۳، ۲۴۴
- ن**  
 ناطق نوری، علی‌اکبر ۲۴۵، ۳۷۸  
 نیال ۳۲۰  
 نجاتی، غلامرضا ۳۲۵، ۳۴۸  
 نجف‌آبادی، امید ۱۶۰  
 نعیم‌پور، محمود ۲۹، ۳۵، ۳۵۱  
 نوروز (روزنامه) ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۶۹، ۳۷۵  
 نوری، شیخ فضل‌الله ۱۰۳، ۲۴۴  
 نوری، محمد ۱۱۸  
 نهج البلاغه ۱۵۳، ۲۳۷  
 نهضت آزادی، بیشتر صفحات  
 نهضت رادیکال ۲۰۴
- و**  
 ورامین ۲۶۴  
 وزارت ارشاد اسلامی ۱۱۱  
 وزارت اطلاعات، بیشتر صفحات  
 وزارت کشور، بیشتر صفحات  
 ولایت مطلقه فقیه ۱۲۹
- ه**  
 هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، بیشتر صفحات  
 همشهری (روزنامه) ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۷۴
- ی**  
 یزدی، ابراهیم، بیشتر صفحات  
 یکتا، حبیب ۳۲۵، ۳۵۱
- ی**  
 منتظری، حسینعلی ۳۱، ۲۴۴، ۲۸۸  
 موحد، نظام‌الدین، بیشتر صفحات

**پیوست چاپ سوم**  
**(آلمان)**

Reza.Golsara.com  
www.KetabFarsi.com





زندانیان پایگاه توحید (زندانیان کمیته مشترک در رژیم سابق)

دریافت فایل صوتی خبر

صفحه اصلی  
عناوین اخبار  
بازگشت

چاپ متن خبر

تاریخ خبر: ۱۳۸۲/۰۳/۱۹ ساعت خبر: 13:54:03 کد خبر: 8203-08192

### تعقیب کتاب خاطرات زندان به وسیله دانسرای دولت

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران  
سرویس فقه و حقوق - حقوق اجتماعی  
کتاب خاطرات دو نفر از مولفان درباره مسائل مربوط به زندان و دوران حبس خود زیر نظر تحقیق یکی از شعب دانسرای جرایم کارکنان دولت قرار دارد.  
به گزارش خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به دنبال اعلام گزارش یکی از مستگانه‌های مرتبط با امور قضایی علیه کتاب خاطرات زندان حبیب‌الله داوران و فرهاد بهبهانی، این مسأله مورد بررسی شعبه بازپرسی قرار گرفت.  
هم‌اکنون از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره‌ی نحوه چاپ، صدور مجوز و ممیزی این کتاب استعلام شده است تا وضعیت اتهامات احتمالی مشخص شود.  
انتهای پیام

کد خبر: 8203-08192

دریافت فایل صوتی خبر

صفحه اصلی  
عناوین اخبار  
بازگشت

چاپ متن خبر

تاریخ خبر: ۱۳۸۲/۰۴/۱۶ ساعت خبر: 16:47:04 کد خبر: 8204-07151

### مسئول انتشارات امید فردا در بازجویی

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران  
سرویس فقه و حقوق - حقوق سیاسی  
بابایی، ناشر کتاب خاطرات زندان از انتشارات "امید فردا" روز دوشنبه در شعبه‌ی 6 بازپرسی دانسرای ویژه‌ی جرایم دولت و رسانه‌ها مورد تحقیق و بازجویی قرار گرفت.  
به گزارش خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به دنبال رسیدگی و تحقیق پرونده‌ی اتهامات کتاب خاطرات زندان، ناشر این کتاب احضار و پس از حضور در دانسرا مورد تحقیق و سوال بازپرس حسینیان قرار گرفت و پس از این جلسه برای بابایی قرار کفالت صادر شد.  
همچنین طی دستور قضایی، این کتاب که با مجوز ارشاد منتشر شده است، جمع‌آوری شد. قبلاً تعدادی از این کتاب در چاپ اول جمع شده بود و اینک چاپ دوم آن توقیف شد.  
بنا به این گزارش قرار است معاون وزیر فرهنگ و ارشاد و مسئول اداره‌ی کل کتاب نیز به تحقیقات بازپرسی پاسخ دهند.  
انتهای پیام

کد خبر: 8204-07151